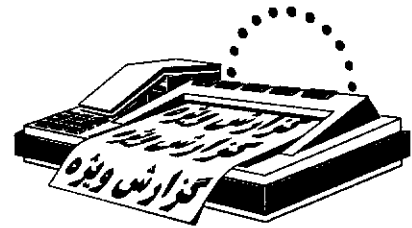


جایگاه مدیریتی سازمانهای غیردولتی در اقتصاد و صنعت

(بخش دوم و پایانی)

گروه گزارش: محمد آزادی - الهام علی پور



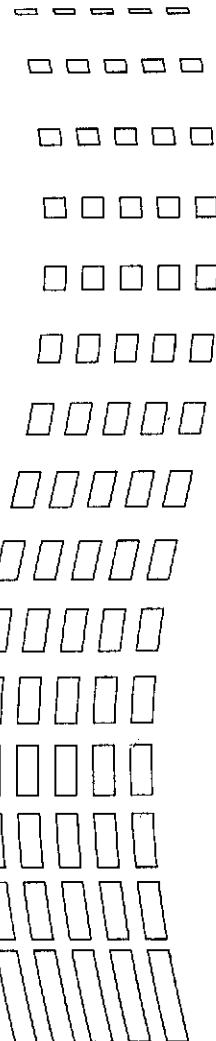
شاره

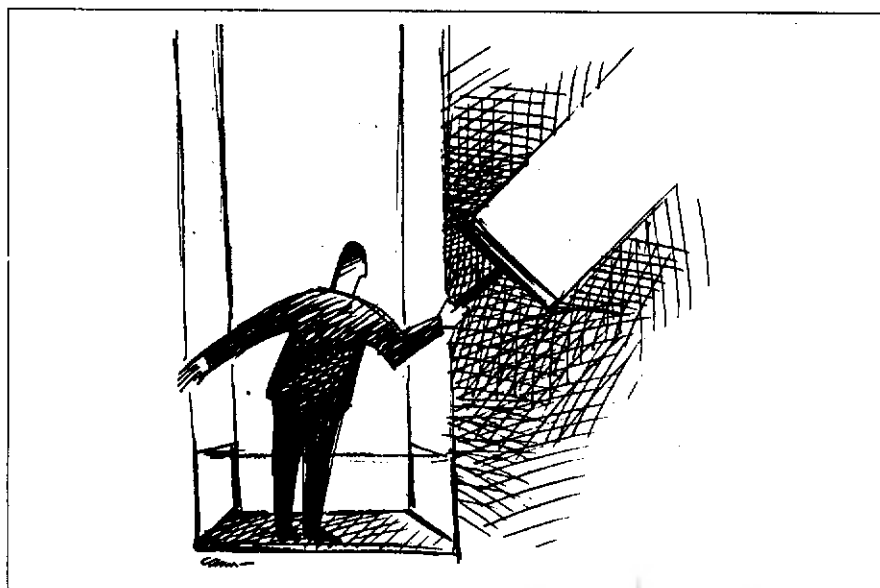
در بخش نخست این گزارش ویژه، با اشاره به فعالیتهای سازمانهای غیردولتی یا مردمی در حل بحرانهای اقتصادی و صنعتی در جوامع پیشرفته، بر نقش پررنگ و حضور فعالانه چنین سازمانهایی در عرصه صنعت و اجتماع به ویژه مسایل اقتصادی، تاکید شد.

بررسی ساختار کارکردی NGOها، مطالعه جایگاه مشارکتی آنها در توسعه اقتصادی و صنعتی کشور، بررسی قوانین مربوط به فعالیتهای سازمانهای غیردولتی در ایران و مقایسه آنها با سازمانهای غیردولتی در کشورهای شمال و جنوب، محورهای مهمی بودند که در شماره ۱۵۲ تدبیر به آنها اشاره شد، گزارش ویژه ای که پیش رو دارید در جست و جوی دلایل پررنگ نبودن فعالیت سازمانهای غیردولتی در ایران، مطالعه مهم ترین نقش NGOها در فرآیند توسعه پایدار و در نهایت بررسی قوانینی که ممکن است مانع از فعالیت سازمانهای غیردولتی در کشورمان شوند است. در پایان پیشنهادهایی برای توسعه همکاری بیشتر NGOها در ایران در حل مسایل مدیریتی، صنعتی و اقتصادی ارایه می شود.

صاحب نظرانی که این بار نیز با ما در رسیدن به اهداف این گزارش ویژه همکاری کردند، عبارتند از:

- آقای دکتر عبدالله مشاعی، نماینده سازمان ملی جوانان در استان تهران.
- آقای دکتر علیرضا جلالی، مدیر دفتر توسعه مشارکت و سازماندهی امور جوانان.





تشکیل گروه های خودجوش

بررسی تفاوت میان میزان آگاهی عمومی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه عنوان پرسشی بود که از آقای دکتر مشایع پرسیدیم. وی اعتقاد دارد؛

در کشورهای توسعه یافته به دلیل اعمال سیاستهای نئولیبرال و حذف دولتهای رفاه که مسئول ارائه خدمات گوناگون اجتماعی از قبیل بهداشت، حمل و نقل، آموزش و غیره... بودند، فقر به طور عام گسترش یافته و این کشورها نیازمند جایگزین مناسبی برای آنها هستند، از سوی دیگر آگاهی عمومی در این کشورها بالا است. بنابراین مردم این کشورها هرگز برای بهبود وضعیت، چشم به دولتها، نداشتند و با تشکیل گروههای خودجوش به دنبال بهبود وضعیت یا احقاق حقوق خود هستند، در کشورهای در حال توسعه که معمولاً آگاهی کمتر است و نیازهای افراد در حد آزادیهای اولیه یا حفاظت محیط زیست است در نتیجه (NGO) های این کشورها بیشتر به سمت کسب حداقل آزادی می رود. به همین دلیل می بینیم که سازمانهای غیردولتی در زمینه حقوق زنان، حقوق کودک، محیط زیست، مبارزه با مواد مخدر و آموزش فعالیت می کنند که غیرانتفاعی است. اما اگر فعالیتها درآمدزا باشند، درآمدهای آنها نمی تواند به صورت بهره توزیع شود. به عبارت دیگر شکل غیردولتی، سازمانی با شخصیت حقوقی مستقل، غیردولتی و غیرانتفاعی است که برای انجام فعالیت داوطلبانه یا گرایشهای غیرسیاسی و براساس قانونمندی و اساسنامه مدون و رعایت چارچوب قوانین موضوعه کشور و مفاد آیین نامه های اجرایی آن فعالیت می نماید.

(NGO) ها در ایران و جهان

در سال ۱۹۸۰ میلادی دو مساله فعالیتها و حرکتهای اجتماعی و سیاسی در جوامع داخلی سراسر جهان و تدارک و پشتیبانی نیروها توسط سازمان ملل متحد از طریق حمایت مالی و فنی، زمینه ای مساعد برای رشد سازمانهای غیردولتی به وجود آورد.

سازمان ملل متحد و ادارات وابسته به آن، علاوه بر حمایتهای همه جانبه از فعالیتهای (NGO) ها، طرحها و برنامه های این تشکلهای آنها را در راستای وصول به اهداف خود به کار گرفتند. واقعیت آن است که تشکلهای

غیردولتی به عنوان راهکاری نو برای مشارکت بخشی مردم در تعیین سرنوشت خود از آن جهت در دنیای امروز اهمیت یافته اند که می توانند به عنوان حلقه واسطه میان حکومتها و مردم، عهده دار انتقال خواسته های ملت به نظام حکومتی باشند.

اگر بخواهیم سابقه پیدایش این گونه تشکلهای را در ایران بررسی کنیم باید بگوییم که کار داوطلبانه و بشردوستانه در ایران، تاریخ طولانی دارد، چنان که تاریخ ایران باستان شاهد حرکتهای شکوهمند مردمی برای ارتقا و پیشرفت مردمی بوده است و «گروههای خیریه مردمی» همواره نقش اساسی در یاری رساندن به افراد نیازمند، ایفا کرده اند. نگاهی به عملکرد این گروهها نشان می دهد که در مجموع، کار داوطلبانه در ایران جاذبه های خود را از ارزشهای ملی و سنتها و باور دینی می گیرد. سنت خدمت به مردم به عنوان وظیفه مقدس دینی نگریده می شود و کسانی که این خدمات را انجام می دهند مورد احترام شایانی می باشند.

وضعیت تشکلهای غیردولتی در جهان امروز

الگوهای جدید توسعه: دهه گذشته تنزل چشمگیری را در نقش مستقیم دولت در اجرای روند توسعه شاهد بوده است. جهان باور نوینی را نسبت به نیروهای بازار و بخشهای خصوصی تجربه می کند، این انتقال همراه با روند جهانی شدن، فرصتهای مطلوبتری را برای

شرکتهای چندملیتی ایجاد کرده است تا بازار جهانی را تکان داده و تجارت آزاد را ارتقا بخشد. این انتقال از طریق برنامه هایی برای تنظیم و اصلاح اقتصادی که توسط موسسه مالی بین المللی و بانک جهانی حمایت می شوند در تمام زمینه ها در کشورهای در حال توسعه تقویت می گردد، از این اصلاحات انتظار می رود که اجرای طرحهای اقتصادی را بهبود بخشد و در نهایت استانداردهای زندگی را ارتقا دهد، با وجود این، چنین برنامه های تنظیم اقتصادی، بار سنگینی را بر گروههای فقیر و بدون امتیاز جامعه تحمیل نموده و آسیب پذیری، حاشیه نشینی و محرومیت را در بسیاری از کشورها تشدید کرده است. خوشبختانه در طی همان دوره نیز دنیا شاهد رویکردی به سوی افزایش دموکراسی در جهان سوم بوده است.

این دموکراسی های بی تجربه زمینه مساعدی را برای بحث و گفت و گو فراهم کرده و با اندیشه سنتی مبتنی بر اعتماد بیش از حد به مکانیسم های قیمت گذاری و نیروهای بازار به مقابله برخاسته اند.

در یک نگاه کلان حضور فعال سازمانهای غیردولتی در فرآیند تصمیم گیری و امور اجرایی جامعه را می توان به معنی مشارکت ایشان تلقی کرد، بروز و نمود این حرکت می تواند در اشکال مختلفی نظیر فعالیت در احزاب و یا انتخابات و فعالیت در حرکتیهای جمعی ظاهر شود. بدیهی است با این طرز تلقی از مشارکت در ابتدا باید مسائل مختلفی محقق

اشتغال دارند. به طور عمده مستقل از دولتها عمل می کنند. گروههای فقیر و آسیب پذیر اجتماعی را مورد توجه قرار می دهند و منابع داوطلبانه را برای پشتیبانی از کارشناسان جلب می کنند.

جایگاه مدیریتی سازمانهای غیر دولتی

در این بخش از گزارش ویژه، دیدگاههای توماس، صاحب نظر علوم مدیریتی و توسعه را با هم می خوانیم. از آقای دکتر مشاعی خواستیم تا سه رویکرد مدیریت توسعه در هر کشور را با توجه به جایگاه مدیریتی (NGOs) برشمرند. وی در پاسخ به این خواسته چنین گفتند:

توماس، سه رویکرد خود را در زمینه ی مدیریت توسعه در هر کشور را به ترتیب زیر بازگو کرده است:

۱- رویکرد اول تحت عنوان «مدیریت در توسعه» نامگذاری شده است، که مدیریت در تغییر در یک فرآیند بلندمدت می باشد.

۲- رویکرد دوم تحت عنوان «مدیریت توسعه» نامیده شده است که مدیریت تلاشهای منطقی برای انجام پیشرفت، با استفاده از ابتکارات توسعه ای رسمی تر صورت می گیرد.

۳- رویکرد سوم تحت عنوان «مدیریت برای توسعه» است. در این رویکرد، مدیریت با جهت گیری خاص توسعه ای صرف، مدیریت خوبی نیست. بلکه مدیریت برای ارزیابی اینکه وظایف توسعه به خوبی انجام شده است یا خیر شکل می گیرد. در این رویکرد، عناصر ابزاری و معنی دار مدیریت با یکدیگر تلفیق می گردند. مدیریت تشکلهای در حوزه «مدیریت توسعه» مورد توجه قرار می گیرد.

طی چنددهه گذشته، سازمانهای غیردولتی به عاملان اصلی در زمینه توسعه بین المللی تبدیل شده اند. از اواسط دهه ۱۹۷۰، بخش سازمانهای غیردولتی در کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه رشد فزاینده ای را تجربه کرده است. از سال ۱۹۷۰ تا سال ۱۹۹۲ میلادی، سازمانهای غیردولتی بین المللی در امر توسعه ده برابر شده اند. در سال ۱۹۹۲ میلادی، سازمانهای غیردولتی بین المللی بیش از ۷/۶ میلیارد دلار کمک را به کشورهای در حال توسعه اختصاص دادند. اکنون برآورد شده است که بیش از ۱۵ درصد کل کمکهای توسعه بین المللی از طریق سازمانهای غیردولتی صورت می پذیرد در حالی که آمار مربوط به

نشکل های غیردولتی از آن جهت درنیای امروز اهمیت یافته اند که می توانند به عنوان حلقه واسط میان حکومتها و مردم عهده دار انتقال خواسته های ملت به نظام حکومتی باشند.

نهایی توسعه اجتماعی است. این هدف به نهادهای دموکراتیک، احترام به تمامی حقوق بشر و آزادیهای اساسی، فرصتهای اقتصادی فراوان و برابر، حاکمیت قانون، افزایش توجه به تنوع فرهنگی و احترام به حقوق افرادی که به اقلیتها تعلق و به مشارکت فعال جامعه مدنی نیاز دارند.

جامعه مدنی موسسه ای داوطلبانه است که شهروندانی را در امور مدنی خارج از نگاه مستقیم دولت به کار می گمارد و به طور بالقوه نیروی خلاقیتی است که مسئولیت دولت را افزایش می دهد، بی عدالتی های اجتماعی و اقتصادی فاحش را زیر نظر می گیرد، حقوق بشر از جمله مسائل مربوط به جنس و امور فرهنگی را مورد حمایت قرار می دهد و شهروندی را که مستلزم حمایت دموکراتیک باشد، پرورش می دهد. سازمانهای اجتماعی مدنی، موسسه های حرفه ای، اتحادیه های تجاری، گروههای اجتماعی و رشته وسیعی از فعالان غیردولتی را شامل می شوند که ممکن است در فعالیتهای خدمت رسانی، پشتیبانی و کارهایی با منافع خاص اشتغال داشته باشند.

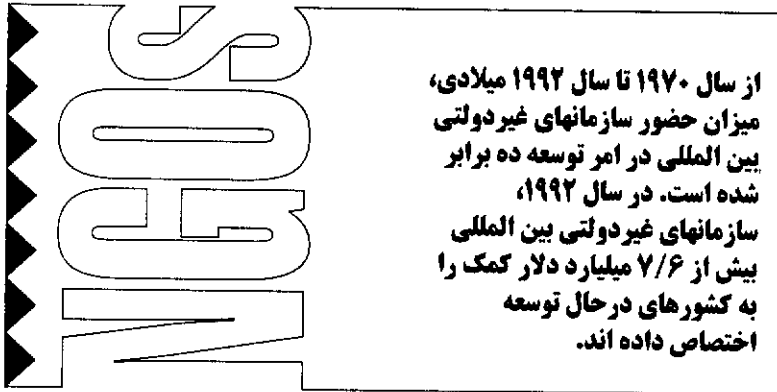
همچنین سازمانهای جامعه مدنی، سازمانهای غیردولتی را در بر می گیرند که در حیطه بسیار متنوعی از فعالیتهای بشردوستانه و توسعه گرا مشابه نمایندگی های مساعدت در امور توسعه مشغول می باشند.

سازمان ملل و موسسه های بین المللی از عبارت سازمان غیردولتی استفاده می کنند تا نهادهایی را معرفی نمایند که به فعالیتهای حمایتی غیرانتفاعی، توسعه گرا و رفاهی

شود، تا مشارکت تحقق یابد. از جمله این مسایل، حضور افراد در اجتماع و برخورد آنان با یکدیگر است، چرا که در عرصه تعامل آنان، حرکتی گوناگون شکل می گیرد، در سایه تعامل افراد در یک حرکت اجتماعی بسیاری از مختصات درونی آنان که در هیچ قالب دیگری امکان بروز و ظهور نمی یابد، شکوفا می شود با ظهور حرکتی جامعه مدنی هم در جنوب و هم در شمال بر نظر خواهی از مردم از جمله فقرا که تحت تاثیر این تحولات قرار می گیرند، تاکید می شود. پیام جدی نوینی که آنها با خود به ارمغان می آورند بازگرداندن مردم به جایگاههای به حقشان، به عنوان حافظان اصلی سرمایه در روند توسعه می باشد.

همگرایی این رویکردهای گوناگون به ایجاد یک خط مشی «توسعه جهانی جدید» کمک نموده که اهمیت ویژه متعادل تری را باز می شناسد که دولت، بازارهای آزاد و جامعه مدنی را در بر می گیرد.

در بسیاری از کشورهای جنوب، دولت عقب نشینی می کند، بخش خصوصی به حد کافی گسترش نیافته و بنیان نهادن یک جامعه مدنی مسئول، دموکراتیک و پاسخگو تازه شروع شده است. در بافت جدید توسعه جامعه مدنی در کنترل افراطی کارهای دولت و بخش خصوصی و ارتقای مشارکت شهروندان نقش اصلی را ایفا می کند. بعد انسانی الگوی جدید توسعه در بیانیه سران اجتماعی جهانی که در سال ۱۹۹۵ در کپنهاگ برگزار شد، به خوبی درج شده است، این بیانیه چنین می گوید: بهبود و ارتقای کیفیت زندگی همه مردم هدف



**از سال ۱۹۷۰ تا سال ۱۹۹۲ میلادی،
میزان حضور سازمانهای غیردولتی
بین المللی در امر توسعه ده برابر
شده است. در سال ۱۹۹۲،
سازمانهای غیردولتی بین المللی
بیش از ۷/۶ میلیارد دلار کمک را
به کشورهای در حال توسعه
اختصاص داده اند.**

ارقام جهانی سازمانهای غیردولتی ناقص هستند، اما اخیراً برآورد شده است که در کشورهای در حال توسعه بین ۶ تا ۳۰ هزار سازمان غیردولتی بین المللی وجود دارد (P1 WORLD BANK ۲۰۰۱) و تعداد سازمانهای غیردولتی محلی در کشورهای در حال توسعه به صدها هزار می رسد. (P9 DEVELASS ۲۰۰۰) البته باتوجه به اینکه تعداد سازمانهای ثبت نشده نسبتاً بالا است، احتمالاً ارقام واقعی نیز بالاتر هستند و تاکنون در هیچ زمینه سیاسی و اجتماعی دیده نشده که این سازمانها حضور نداشته باشند. (PRIME ۱۹۹۹ P ۲).

سالمون SALEMON ۱۹۹۴ - از سازمانهای بخش سوم (سازمانهای غیردولتی) تحت عنوان «انقلاب همکاری جهانی» یاد می کند. علت این نامگذاری به خاطر آن است که آنها حوزه مهمی از فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را در کنار دولت و بازار شکل می دهند و نقشهای در حال افزایش را در خط مشی گذاری عمومی ایفا می کنند که یکی از گروههای مهم خانواده سازمانی بخش سوم، سازمانهای غیردولتی هستند.

نقش های مهم سازمانهای غیردولتی در توسعه پایدار

۱ - حامیان سازمانهای غیردولتی، تشکلهای را به عنوان جایگزینی مناسب برای دول کشورهای میزبان در ارائه خدمات و اولویت هایی همچون برنامه ریزی خانواده ها، حمایت کودکان، توسعه مشارکتهای کوچک، محیط زیست و غیره می دانند. تمرکز اصلی حامیان، در تقویت بخش سازمانهای غیردولتی، موجب گسترش و توانایی سازمانی در برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی برنامه های توسعه شده است.

۲ - سازمانهای غیردولتی در سطح عام، نیروهای مهم برای دموکراتیزه ساختن و تقویت نهادهای جامعه مدنی به شمار می آیند. از آنجایی که بسیاری از سازمانهای داوطلب دارای ارزشها و ایده آلهای مشترکی در میان اعضایشان خود هستند، لذا حامیان و تسریع کنندگان مهم تغییرات اجتماعی به شمار می روند.

۳ - سازمانهای غیردولتی می توانند منبع نوآوری، تجربه کردن و آزمودن رویکردهای نوین در قبال مسائل توسعه باشند. سازمانهای

غیردولتی می توانند نقش بسیار مهمی در توسعه داشته باشند. که این کار از طریق بسیج منابع و انرژی مولد در خدمات اجتماعی و توسعه آنها صورت می گیرد. سازمانهایی همچون تعاونی ها و انجمن های تولیدی در توسعه پایدار (بخشهایی خاص همچون تولیدات کشاورزی) مشارکتی مستقیم دارند.

۴ - سازمانهای غیردولتی نقشی مهم در ارائه بازخورهای لازم در زمینه سیاستها و برنامه ها دارند که این امر از طریق مشارکت در تغییرات سیاسی و کمک به تدوین برنامه های توسعه محقق می گردد.

گزارش بانک جهانی، نقاط قوت و ضعف بانک جهانی طی گزارشی نقاط قوت و ضعف سازمانهای غیردولتی را چنین برشمرده است:

الف - نقاط قوت

- ۱ - روابط قوی با عامه مردم.
- ۲ - تخصص توسعه زمینه های خاص.
- ۳ - توانایی نوآوری و سازگاری.
- ۴ - رویکردهای فرایند مدار PROCESS ORIENT در قبال توسعه.
- ۵ - متولوزی ها و ابزار مشارکت.
- ۶ - تعهد بلندمدت و تاکید برپایداری.
- ۷ - مقرون به صرفه بودن.

ب - نقاط ضعف

- ۱ - محدودیتهای مالی و تخصص مدیریتی سطح پایین.
- ۲ - توانایی محدود نهایی.

۳ - سطح پایین خودگرایی.

۴ - انزوا و فقدان ارتباطات و هماهنگی بین سازمان.

۵ - معیارهای اندک برای مداخله.

فعالتهای اقتصادی و تجاری

چگونگی و نوع فعالتهای اقتصادی و تجاری سازمانهای غیردولتی را از آقای دکتر مشاعی پرسیدیم دیدگاه ایشان را در این باره در زیر می خوانیم:

در قوانین موجود منعی برای سازمانهای غیردولتی از فعالتهای اقتصادی و تجاری وجود ندارند. ولی به رغم آنکه در قوانین و مقررات متعدد و گاه متعارض ماقید و ضابطه ای برای این قبیل فعالتهای دیده نمی شود اما نباید از خاطر ببریم که از سوی دیگر مراجع نظارتی این سازمانها نیز متعدد و اختیاراتشان گاه نامعلوم است. از این روی برای حفظ سلامت پیشنهاد می شود که این سازمانها برای فعالتهای اقتصادی و تجاری خود ضوابط ذیل را مدنظر داشته باشند:

اولاً هدف اصلی از تشکیل و راه اندازی سازمان برای مقاصد خاص غیرانتفاعی مثل امور فرهنگی، آموزش، بهداشت و جز آن باشد. ثانیاً به هیچ وجهی سودها و درآمدهای آن میان موسسین، اعضا، متصدیان، هیات مدیره و کارمندان تقسیم نشود. البته وقتی سخن از سود به میان می آید مقصود آن است که کلیه هزینه ها از جمله حقوق و دستمزدهای متعارف افراد یادشده از آن کسر شده است.

میل به اصلاح امور و رفع کاستیها و نیاز به دیدن خود در آینده جمع در همین قالب شکل می گیرد.

زمینه های لازم جهت مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی و سیاسی نیز نظیر سایر پدیده ها نیازمند بسترها و زمینه های خاص خود می باشد که ذیلاً به پاره ای از آنها اشاره می شود:

- ۱- گردش صحیح اطلاعات.
- ۲- وجود ساختارهای مناسب جهت انعکاس افکار و آرا.
- ۳- وجود بسترهای مناسب جهت رشد و پخته شدن حرکت های اجتماعی و سیاسی.
- ۴- خطاپذیری و انتقادپذیری متصدیان امور.
- ۵- وجود آگاهی های اولیه و مقدماتی.

موانع عملی و نظری موجود بر سر راه مشارکت

موانع متعددی هم اکنون بر سر راه مشارکت جوانان در عرصه اجتماع وجود دارد که برخی از آنها به صورت نبود زمینه هایی که در قیل به آنها اشاره شده رخ می نماید و برخی دیگر به صورت فقدان عوامل لازم جهت عملکرد مشارکتی جوانان بروز و ظهور می یابد در اینجا به پاره ای از موارد که مانع مشارکت هستند می پردازیم:

- ۱- رشد فردگرایی.
- ۲- احساس بی فایده بودن فعالیت اجتماعی.
- ۳- رشد منفعت گرایی شخصی.
- ۴- اطلاعات ناکافی تاریخی و انقطاع فرهنگی.
- ۵- نبود ساختار فیزیکی مناسب جهت ارتباط و مشارکت.
- ۶- ایجاد موانع توسط نهاد خانواده.
- ۷- ایجاد شبهات تئوریک در بحث موفقیت حرکت های سیاسی و اجتماعی.
- ۸- شفاف نبودن حریم مسایل قابل بررسی و نقد.

بررسی مشکلات

مصاحبه شوندگان در این گزارش ویژه مهم ترین مشکلات پیش روی سازمانهای غیردولتی را چه از نگاه شخصی و چه از دید خود NGO ها بیان کردند. با هم می خوانیم. آقای دکتر مشاعی، مشکلات سازمانهای غیردولتی را از نگاه ساختار دیوانسالاری مطرح

سازمانهای غیردولتی نقشی مهم در ارائه بازخورهای لازم در زمینه سیاستها و برنامه ها دارند. این امر از طریق مشارکت در تغییرات سیاسی و کمک به تدوین برنامه های توسعه محقق می شود.

یا شخص ثالث یا دولت قرارداد ببندد؛ اگر نوع خدمات و کالاهایی که ارائه می کند بخشی از اهداف اصلی سازمان باشد مانند برنامه های تنظیم خانواده، آموزش یا مدیریت منابع آب، این دیگر فعالیت اقتصادی و تجاری مستقل محسوب نمی شود. حتی زمانی که سازمان غیردولتی کالایی را به طور مستقیم به مردم عرضه کند مانند بازارچه های خیریه، برای صنایع دستی اقشار کم درآمد، این در واقع نوعی ایجاد اشتغال در حمایت از جامعه مخاطب در جهت اهداف سازمان است.

عوامل و انگیزه های موثر در مشارکت اجتماعی

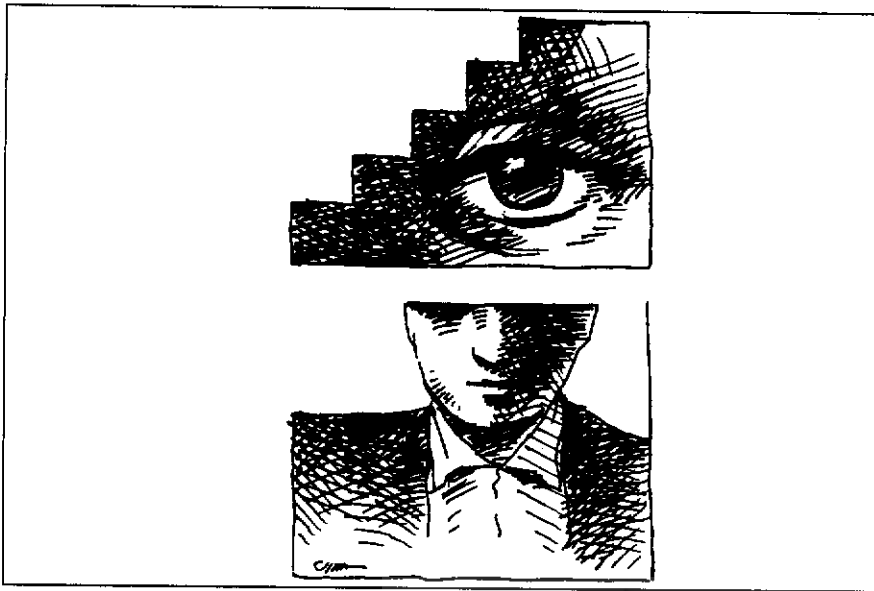
عوامل متعددی، در سبب دادن افراد و سازمانها به سمت مشارکت اجتماعی، نقش دارند که برخی از آنها درونی و برخی بیرونی اند از جمله این عوامل در مشارکتهای اجتماعی می توان به نیروهای جوان و فعال کشور اشاره کرد که عوامل درونی این گرایش، روح شفاف و زلال جوانان و عدالت جویی منبث از روح ساده و بی آرایش آنها و نزدیکی با فطرت خدادادی می باشد. جوانان در این سنین بدون توجه به موانع موجود و صرفاً به دلیل گرایش فطری آنان به عدالت به سوی محو بی عدالتی ها و ظلمها حرکت می کنند و این انگیزه در کنار فراست متعارف در این سنین و نیز آرمانگرایی ایشان که معمولاً در قالب علاقه مندی به شرکت در احزاب بروز می کند و حلقه های زنجیره ای را تشکیل می دهند که از جمله عوامل اولیه در مشارکت می باشند،

بالاخره اینکه دست به فعالیتهای اقتصادی که خطرپذیری زیادی دارد و درگیری زیادی برای اعضا به دنبال دارد، نزنند.

البته هراقدامی فعالیت اقتصادی و تجاری محسوب نمی شود به عنوان مثال سازمانهای غیردولتی مجازند که در فعالیتهای مربوط به جمع آوری اعانه که مانع قانونی یا مغایرت با هنجارهای فرهنگی ندارد مثل مراجعه خانه به خانه، درخواست تلفنی، پست مستقیم، مراسم تبلیغاتی و دیگر روشهای جمع آوری اعانه شرکت کنند. قبضهای کمک به مستمندان، مزایده های خیریه و دیگر فعالیتهای موردی که هدف اصلی آنها جمع آوری کمک برای سازمانهای غیردولتی است از مصداق جمع آوری اعانه محسوب می شوند و نباید به عنوان فعالیت اقتصادی و تجاری تعبیر شوند.

البته سازمانهای غیردولتی باید مراقب باشند که وارد فعالیتهای جمع آوری اعانه که در سطح بسیار وسیع انجام می شود و در آن سابقه سوء استفاده و فساد می رود وارد نشوند. در کشور وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، واحد امور تشکلهای فرهنگی به فعالیتهای جمع آوری اعانه در سطح وسیع مجوز می دهد که تاکنون در برخی موارد سابقه خوشی از این قبیل فعالیتهای به جا نمانده است.

همچنین باید میان فعالیتهای اقتصادی و تجاری که صرفاً برای کسب درآمد سازمان غیردولتی انجام می پذیرد در فعالیت هایی که در جهت برآورده کردن اهداف سازمان است تمایز قائل شد. فرض کنیم یک سازمان غیردولتی برای ارائه خدمات و کالاها به دولت



لازم است مطالعاتی عمیق و وسیع در این باره به عمل آید.

۲- الگوی ارائه شده برای تقسیم بندی سازمانهای غیردولتی فراگیر است و می تواند تمام آنها را دسته بندی کند. تقسیم بندی حاضر می تواند در شفاف تر شدن وضعیت سازمانهای غیردولتی در کشور و شناخت زمینه های مشارکت آنها در مدیریت منابع عمومی بسیار موثر باشد. بنابراین پیشنهاد می شود دسته بندی حاضر برای شناخت سازمانهای غیردولتی به کار گرفته شود.

۳- رشد و گسترش مشارکت سازمانهای غیردولتی در مدیریت منابع، به میزان تمایل به همکاری بخشهای دولتی بستگی دارد. دولت با ایجاد ثبات رویه در برخورد با این سازمانها، گسترش فضای دموکراتیک در کشور، به رسمیت شناختن فعالیت این سازمانها و سیاست گذاری درباره ثبت و قانونمند کردن آنها، موثرترین عامل در نهادینه کردن فعالیت این سازمانها خواهد بود. بنابراین، پیشنهاد می شود، دولت تغییراتی را در چارچوب اداری، شیوه عمل و سازوکارهای خود در جهت ایجاد انعطاف لازم در برخورد با سازمانهای غیردولتی بپذیرد.

۴- دولت می تواند بخشی از وظایف خود را درباره مدیریت بر منابع عمومی به سازمانهای غیردولتی تفویض کند. بر این مبنای پیشنهاد می شود تا با ظرفیت سازی، مشارکت این سازمانها در مدیریت منابع عمومی مورد توجه ویژه قرار گیرد و زمینه های لازم را برای تحقق

و آنها چنین برشمردند:

- نامشخص بودن و نبودن برنامه و راهکارهای لازم برای همکاری سازمانهای غیردولتی و دولتی؛

- بی میلی و مشارکت ندادن سازمانهای غیردولتی در فرآیند تصمیم گیری، — برنامه ریزی، نظارت و شناخت کم دولتمردان نسبت به سازمانهای غیردولتی؛

- نداشتن استراتژی — حمایتی، آموزشی، برنامه ای دولتمردان برای تشکلهای غیردولتی؛

- جدی نگرفتن فعالیتهای تشکلهای غیردولتی؛

- عدم درک صحیح از ماهیت اهداف، فعالیتها،

کارکردها و رویکردهای سازمانهای غیردولتی؛

- نداشتن روحیه مشارکت جویی و تمایل به روشهای سنتی مدیریتی؛

- تمرکزگرایی شدید در برنامه ریزی ها، اجرا و سیاستهای کلان مدیریتی.

آقای دکتر جلالی، برای ایجاد فضای مناسب گفت و گو و تعامل میان سازمانهای غیردولتی و بخش صنعت و اقتصاد کشور تاکید کرد و چنین گفتند:

باتوجه به اینکه ایجاد فضای گفت و گو و تعامل، هم زمینه های همکاری را در موارد موجود افزایش می دهد و هم باعث کشف زمینه های جدید همکاری می شود، راه کار مفید این است که ارتباط فعالتری میان بخش اقتصاد و صنعت با سازمانهای غیردولتی برقرار شود. البته اخیراً تلاشهایی در این زمینه انجام شده است که بسیار مفید خواهد بود. زیرا حیات سازمانهای غیردولتی از طریق ارتباط فعال با اقتصاد و صنعت تداوم می یابد و متقابلاً برای اینکه اقتصاد و صنعت به رشد لجام گسیخته و غیرقابل مهار نرسند به NGOها نیازمندند.

همچنین یکی از راه کارهای ایجاد ارتباط میان این دو بخش این است که سازمانهای اقتصادی و صنعتی، بخشی را در درون خودشان برای ارتباط با سازمانهای غیردولتی ایجاد کنند.

پیشنهادها

به منظور کاهش بسیاری از مشکلات و تنگناهای سازمانهای غیردولتی در کشورمان، پیشنهادهای زیر مطرح می شود:

۱- باتوجه به ناشناخته بودن تاریخچه پیدایش، حضور و افول سازمانهای غیردولتی در کشور،

آن فراهم آورد.

۵- یکی از عوامل بازدارنده توسعه کمی و کیفی سازمانهای غیردولتی، عدم وجود قوانین حمایتی از آنها می باشد. بنابراین پیشنهاد می شود دولت با بررسی متمرکز و تنظیم لوایح مربوط و تقدیم آن به مجلس، زمینه لازم برای قانونمند کردن این سازمانها را در کشور فراهم آورد. همچنین با تعیین مراجع و مراکز خاصی برای به رسمیت شناختن آنها، راه را برای فعالیت موثر آنها در جامعه هموار سازد.

۶- سطوح مشارکتی، چارچوب مناسبی برای مشارکت بخشهای دولتی و غیردولتی در مدیریت منابع عمومی است. این چارچوب راهنمای مناسبی برای همکاری بخشهای دوگانه (دولتی و غیردولتی) در مدیریت منابع است. بنابراین به کارگیری آن از مشکلات احتمالی جلوگیری و دامنه همکاریها را مشخص تر می کند.

۷- باتوجه به تابع مفهومی ارائه شده برای دستیابی به مدیریتی کارآمدتر بر منابع عمومی لازم است، دولت با گسترش زیربنایی دموکراسی، بستر فعالیت سازمانهای غیردولتی را درباره مدیریت بر منابع فراهم کند. این امر می تواند با قانون گذاری و رشد نهادها و مراجع دموکراتیک و گسترش کانالهای ارتباطی و مبادله اطلاعات آغاز و با دخالت این سازمانها در امر سیاست گذاری و برنامه ریزی تداوم یابد؛

۸- ازسوی دیگر، سازمانهای غیردولتی نیز با تاکید بر توانمندی های خود که می بایست

۸/۵ میلیارد دلار در سال بوده است. با این حال روند کمک جهانی به سازمانهای غیردولتی از بدو تولدشان تاکنون افزایش تصاعدی را نشان می دهد که باعث رشد سازمانهای غیردولتی شده است. طبق گزارش کمیسیون حکومت جهانی، تعداد سازمانهای غیردولتی بین المللی در سال ۱۹۰۰ کمتر از ۱۰۰ سازمان بوده است اما تعداد آنها در سال ۱۹۱۰ به ۱۷۶ و تا سال ۲۰۰۰ به ۱۹۵۰ سازمان رسیده، که به طور پیوسته رشد کرده اند.

امروز نیز امید است که با نهادینه شدن جامعه مدنی در ایران شاخص های مهم این جامعه مدنی نیز به صورت عملی نهادینه شوند و سازمانهای غیردولتی بتوانند جدای از مسایل سیاسی که بر آنها حاکم است وظایف مدنی خود را انجام دهند، و به نهادینه کردن دیگر شاخصهای جامعه مدنی در ایران کمک کنند. □

منبع: کارآفرینی در نهادهای جامعه مدنی - دکتر سیدمحمد مقیمی، ۲۲ WORLD BANK ۲۰۰۱

شده است. وی در این باره می گوید: اعضای جامعه بین المللی توسعه در حال حاضر حیطه همکاری خود را با سازمانهای غیردولتی از شمال و جنوب گسترش می دهند، این خط مشی بر مبنای این انتظار استوار شده که پیشرفت اقتصادی با تلاشهایی برای تقویت مشارکت دموکراتیک و عدالت منطبق خواهد شد.

از نظر جهانی رویه کمک بین المللی توسعه، توجه نمودن به جوامع مدنی به طور اعم و سازمانهای غیردولتی به طور اخص به عنوان واسطه های کارآمدی برای دنبال کردن برنامه های پیشرفت اجتماعی و اقتصادی می باشد. در حالی که کمک توسعه ای سیر نزولی دارد سطح سرمایه هایی که از کانال سازمانهای غیردولتی به عنوان شرکای توسعه فراهم گردید، افزایش یافته است. مطابق تحقیق بانک جهانی مشارکت، بانک جهانی با سازمانهای غیردولتی از سال ۱۹۹۲ تا سال ۱۹۹۶ پشتیبانی از برنامه های سازمان غیردولتی

بنای ساختاری و کارکردی بنا شود، می توانند امکانات مدیریتی خود را در خصوص منابع افزایش دهند و امکان همکاری وسیع تر و بالاتری را با بخشهای دولتی فراهم آورند؛

۹- همزمان با رشد مراجع و نهادهای دموکراتیک در کشور و ایجاد ظرفیت فعالیت سازمانهای غیردولتی، لازم است از مدیریت منابع عمومی نیز تمرکززدایی شود. با رشد تمرکززدایی دولتی در مدیریت منابع، امکان مشارکت سازمانهای غیردولتی در مدیریت این منابع روز به روز بیشتر خواهد شد؛

۱۰- در نهایت پیشنهاد می شود، مطالعات بیشتری در شناخت سازمانهای غیردولتی و جایگاه آنها در مدیریت منابع عمومی انجام شود.

راهکارهای جهانی

آنچه که در پایان می خوانید شیوه گسترش همکاری میان NGOها با جوامع مدنی در سطح جهانی است که از سوی آقای دکتر مشاعی بیان

مجتمع تحقیقاتی کارآفرینان صنایع

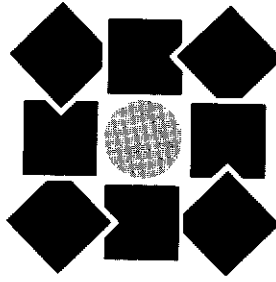


مجتمع تحقیقاتی کارآفرینان صنایع با استفاده از کارشناسان مجرب، آماده ارائه خدمات مشاوره، نظارت و اجرا به شرح زیر می باشد:

- امکانسنجی فنی و اقتصادی و نظارت بر اجرای طرحها (دارای گرید بانک صنعت و معدن)
- (دارای گرید مدیریت و سیستم و اقتصاد از سازمان مدیریت و برنامه ریزی)
- ارائه خدمات برنامه ریزی و کنترل پروژه
- مدیریت پیمان طرح ها و پروژه های اجرایی (دارای گرید پیمانکاری از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور)
- ارائه خدمات مشاوره و نظارت در پروژه های عمرانی
- مطالعات شناخت و عرضه یابی سازمانی براساس مدل EFQM و برنامه ریزی استراتژیک
- طراحی و پیاده سازی سیستمهای اطلاعات مدیریت
- طراحی و پیاده سازی و آموزش سیستمهای مدیریت (براساس استانداردهای ISO/TS16949, ISO9001, ISO14001, OHSAS18001)
- طراحی و پیاده سازی سیستمهای برنامه ریزی نگهداری و تعمیرات (PM)، سیستم های برنامه ریزی تولید...
- آموزش و پیاده سازی روشهای مدیریت ژاپنی نظیر: JIT, VM, TQM, TPM, KAIZEN, ...

آدرس: تهران - خیابان میرداماد - خیابان نفت شمالی - نبش کوچه نهم - شماره ۱۱۴ - طبقه سوم - واحد ۱۰

تلفن: ۲۲۷۲۱۱۳ و ۲۹۰۴۱۷۹-۸۳ فکس: ۲۲۷۲۱۳۸



سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت
مدیریت
3th International Management Conference

فراخوان مقاله

- اهداف:**
- ارائه دستاوردهای پژوهشی در زمینه مدیریت و تبادل دیدگاه‌ها.
 - معرفی آخرین دستاوردها و فنون مدیریتی در سطح سازمان‌های برتر جهان.
 - تبادل تجارب پیرامون دستاوردهای مدیریت در سازمان‌ها.
 - کیفیت، ایمنی و بهره‌وری: مدیریت کیفیت فراگیر (TQM) بهبود مستمر مدیریت عملکرد
 - رهبری و مدیریت تحول: مدیریت تحول، عوامل فرهنگی و اجتماعی، سازمان‌های یادگیرنده، تفکر سیستمی.
 - عملیات و فرآیندها: مهندسی مجدد فرآیندها، مدیریت عملیات، مدیریت زنجیره تامین، پژوهش عملیاتی.
 - مالی و بودجه‌ریزی: بودجه‌ریزی و سیستم‌های کنترل، مدیریت سرمایه‌گذاری، مدیریت مالی بنگاه.
 - سیستم‌ها و فناوری اطلاعات: سیستم‌های اطلاعاتی، تجارت الکترونیک.
 - استراتژی و رقابت: مدیریت استراتژیک، تحلیل رقابتی، ادغام و خرید، پیمان‌های استراتژیک.
 - منابع انسانی: برنامه‌ریزی نیروی انسانی، ارزیابی عملکرد، توسعه نیروی انسانی و نگهداری، آموزش و توسعه مدیریت.
 - ساختار و سازمان: تاثیر تکنولوژی اطلاعات بر ساختار، سازمان‌های مجازی، سازگاری ساختار و استراتژی.
 - مدیریت تکنولوژی و تحقیق و توسعه: مدیریت دانش، مدیریت تحقیق و توسعه، مدیریت تکنولوژی.
 - بازاریابی و مدیریت بازار: استراتژی بازار، تحقیقات بازار، بازاریابی و فروش، خدمات پس از فروش، مدیریت اطلاعات مشتریان.
 - مدیریت عمومی.

زمان بندی ارسال مقالات

فرصت ارسال خلاصه مقالات تا	۳۰ اردیبهشت ۸۴
اعلام نتایج داوری خلاصه مقالات	۳۰ خرداد ۸۴
فرصت ارسال اصل مقالات تا	۱ شهریور ۸۴
اعلام نتایج داوری اصل مقالات	۱۵ مهر ۸۴

محققان گرامی باید مقالات خود را تنها از طریق وب سایت یا پست الکترونیکی کنفرانس ارسال نمایند. لازم به ذکر است تمامی ارتباطات بعدی با ارائه دهندگان مقالات نیز تنها از این طریق خواهد بود.

مقالات ارسال شده باید مطابق الگوی مورد تایید کنفرانس باشد. دبیرخانه کنفرانس از پذیرش مقالات خارج از این الگو معذور است.

تمامی فرمت‌ها و الگوی مقالات از طریق وب سایت کنفرانس قابل دسترسی است.



علاقتمندان جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانند به وب سایت کنفرانس مراجعه فرمایند.
 تلفن: ۷۵۰۲۵۲۰
 نمابر: ۷۵۳۲۶۴۰
 www.irimc.com